

آنچه از جستجو در برخی از نمونه‌های شعر معاصر به خواننده می‌رسد جز تلقی طنزآمیزی از درهم ریختگیهای زبانی نیست. از این روست که این حجم کلمه‌ها را از یک دریچه در زمره نوظنازیهای شعر معاصر جای می‌دهیم. اما نوظنازیها در عرصه شعر معاصر تنها به آنچه در شعر نو و مدرن مربوط است پایان نمی‌پذیرد. شعر نوکلاسیک نیز در این سالها در روی بردن به نوآوریها از خود سبکبالی و شتاب ویژه‌ای نشان داده است.

عنوان مقاله : درآمدی بر قصه‌های عامیانه فارسی

نویسنده : پرزی چیپک، مترجم: یعقوب آژند

مآخذ : فصلنامه ادبیات داستانی، س هفتم، ش ۴۹ (زمستان ۱۳۷۷)

ص ۷۹ تا ۷۲

نویسنده در این مقاله به فرهنگ قصه‌خوانی و اهمیت آن در بین اقوام مختلف ایران اشاره کرده است. راوی و قصه‌خوان در بین ایرانیان، فردی مهم، و نقالی و قصه‌خوانی از حرفه‌های استثنایی و حساس برشمرده می‌شد. سرزمین ایران در داشتن قصه‌های عامیانه بسیار پرمایه است؛ پریان، غولان، جادوگران، جنیان، حیوانات، قلعه‌ها و عمارت‌های مشهور و نیز سنت‌های عامیانه موجب خیالپردازیهای وسیع و منشأ قصه‌های عامیانه بسیاری است. نویسنده، قصه‌های عامیانه را با توجه به محیط اجتماعی و هدف آنها به دو دسته تقسیم کرده است.

الف - قصه‌های تفریحی: این نوع قصه‌ها نشان‌دهنده جریان خاصی از اجتماع نیستند و برای تفریح اشرف و حاکمان سامان یافته‌اند و از این رو با شاهزادگان و شاهزاده خانمها سروکار دارند. خیالپردازی و ماجراجویی در قصه‌های بزمی و شاه پریان نقش مهمی دارد. شماری از قصه‌های عامیانه با کتابهای منثور عامیانه ارتباطی نزدیک دارند؛ از این رو قالب و الگویی برای چاپهای عامیانه ایام بعد شده‌اند.

ب - قصه‌هایی هم هستند که در آنها مسائل اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارد.

قهرمان و شخصیت‌های این قصه‌ها را بیشتر روستاییان و صاحب حرفه‌ها و افراد زحمتکش تشکیل می‌دهند. خیالپردازی در قصه‌های واقعگرا کمتر راه دارد. بعضی از بنمایه‌های قصه‌های عامیانه ایران، بومی است و در جای دیگر دیده نمی‌شود؛ اما بیشتر آنها پراکنده شده و به سرزمینهای دوردست در آن سوی قلمرو فرهنگی ایران دامن کشیده‌اند. فرهنگ بومی ایران از ایام کهن با عناصری از فرهنگ سامی در هم آمیخته و قصه‌های عامیانه و افسانه‌های ایرانی بارها به عنوان تمثیل در ادبیات صوفیانه به کار رفته است. قصه‌های سامی اغلب اوقات در ایران اجرای ادبی یافته و حال اینکه نوع هند و اروپایی آنها در ادبیات منشیانه راه یافته‌اند. نویسنده پس از اشاره‌ای بسیار کوتاه به وجوه اشتراک قصه‌های عامیانه فارسی و تاجیک می‌نویسد: «با اینکه هر چه درباره قصه‌های عامیانه فارسی گفته شود با قصه‌های عامیانه تاجیک نیز همخوانی دارد، تفاوت و تمایزهایی هم بین این دو دیده می‌شود. قهرمانان قصه‌های عامیانه تاجیک با قهرمانان شاهنامه خصوصیات مشترک دارند.»

در پایان مقاله، پس از اشاره به موضوع چند داستان کردی، نشان داده شده است که قصه‌های عامیانه کردی منعکس‌کننده زندگی قهرمان و مردم ظلمزده و پریشان است. برای کردن، آزادی شخصی در درجه اول اهمیت است و این مطلب در قصه‌های عامیانه هم راه جسته است.

عنوان مقاله : تجزیه و تحلیل داستان کوتاه گیله مرد

نویسنده : احمد عزتی پرور

مآخذ : مجله آموزش زبان و ادب فارسی، س سیزدهم، ش ۴۹

(زمستان ۱۳۷۷) ص ۱۲ تا ۱۴

داستان کوتاه گیله مرد با الفاظ و استعاراتی آغاز می‌شود که جنبه نمادین دارد؛ مثلاً «باران هنگامه کرده بود.» با این جمله هم فضای مادی و عینی و هم موقعیت سیاسی، اجتماعی زمان وقوع داستان با نمادهای جالبی توصیف می‌شود یعنی در

شمال ایران غوغا بود؛ اعتراض مردم، جنگ و انقلاب بود. نگارنده با توضیحاتی از این قبیل برداشتی ممکن از متن داستان می دهد.

پس از واژه‌های نمادین، داستان و حوادث اصلی آن آغاز می شود. در این داستان همه چیز در حال طوفان و غوغاست چرا که درون قهرمان داستان ناآرام است. گیله مرد یکی از مبارزان جنگل است که دستگیر شده است و برای بازجویی برده می شود. حکومت مرکزی او را بلشویک می داند و به مزدوری حکومت شوروی متهمش می کند. اما گیله مرد و همرزمانش فقط آزادی و استقلال می خواهند.

نویسنده از قواعد تداعی معانی استفاده می کند. در جایی با توصیف چکیدن آب از سرنیزه، چکیدن خون از آن را تداعی می کند.

داستان گیله مرد سه قهرمان دارد: گیله مرد، بلوچ و صغرا. وجه مشترک این سه ستم‌دیدگی آنهاست. گیله مرد، گرفتار ستم حکومت است و صغرا بار ستمی مضاعف را به دوش می کشد. هم ستم حکومت و هم ستم مرد. بلوچ هم قربانی غارت‌های امنیه‌ها و خانهاست.

گیله مرد و بلوچ، نماد دو تفکرند: انقلاب و شورش. تفاوت آنها در اتخاذ روشها متفاوت است. آن دو قربانیان نظامی واحد هستند اما به دو شکل واکنش نشان می دهند. گیله مرد سرسبزی عواطف بشری است و بلوچ کینه داغ ترک خورده روان زخمی انسان.

سرانجام بلوچ، گیله مرد را می کشد. البته او در واقع مأمور دولت را می کشد زیرا گیله مرد لباس مأمور را بر تن کرده است و بلوچ از پشت او را می بیند و می کشد.

عنوان مقاله : تجزیه و تحلیل داستان کوتاه گیله مرد

نویسنده : جمال میرصادقی

مآخذ : مجله آموزش زبان و ادب فارسی، س سیزدهم،

ش ۴۱ (زمستان ۱۳۷۷)، ص ۱۰ تا ۱۲

داستان کوتاه، روایت به نسبت کوتاه خلاقه‌ای است که نوعاً سر و کارش با گروهی محدود از شخصیتهاست. داستان کوتاه «گیله مرد» نیز در حیطه این تعریف قرار می‌گیرد. شخصیت‌های گیله مرد محدود به دو مأمور و گیله مرد هستند که این سه، شخصیت‌های اصلی داستانند.

داستان به شیوه سوم شخص و از زاویه دید دو شخصیت داستان یعنی گیله مرد و مرد بلوچ بازگویی می‌شود.

شخصیت‌های داستان همه در عمل جداگانه‌ای که رساندن گیله مرد اسیر به پاسگاه است، شرکت دارند.

برخوردهای عاطفی شخصیت‌های داستان با یکدیگر، توصیف موقعیت‌های زمانی و مکانی و انعکاسش بر حالات روانی شخصیتها، همه سیر تکوینی داستان را موجب می‌شود.

در داستان کوتاه گیله مرد - برخلاف رمان - نویسنده نمی‌کوشد که شخصیت گیله مرد را کاملاً بازسازی کند، فقط به خصوصیتها و خصلت‌های برجسته روحی او که با درونمایه و مضمون داستان همخوانی دارد به اختصار اشاره می‌کند.

در داستان گیله مرد، سه رکن اساسی داستان: شرح، گسترش و نمایش حاصل داستان بخوبی پرداخته شده است. شرح داستان با طبیعت شروع می‌شود و همخوانی آن یا حالات روحی شخصیتها، داستان را گسترش می‌دهد و این همخوانی محتوای انسانی داستان را برجسته‌تر می‌کند و خصوصیات نمادین به آن می‌دهد.

موضوع داستان در خصلت خاص و واقعی آن، عام و عمومی است و جنبه همه گیر و کلی دارد؛ یعنی صحبت از ظلمی است که بر نوع گیله مردها و دهقان‌هایی

می‌رود که سالهای سال مورد بهره‌کشی اربابها و هیئتهای حاکمه وقت قرار دارند و مادام که سلطه‌خانها و نیروهای حمایت‌کننده آنها وجود دارد، بهره‌کشی از دهقانها و عصیان دهقانها علیه این بهره‌کشی وجود دارد.

عنوان مقاله : جلوه‌های هنر و ادب در ترجمه قرآن (به زبان فارسی از ابوالقاسم امامی)

نویسنده : محمد علی کوشا

مأخذ : فصلنامه میراث جاویدان، س ششم، ش سوم و چهارم،

(بایبز و زمستان ۷۷)، ص ۱۸ تا ۲۱

نویسنده در این مقاله، ضمن اشاره‌ای کوتاه و تلویحی به اشکال برخی از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی در نادیده گرفتن و یا کم توجهی به نکات بلاغی و هنری قرآن در بازگرداندن به زبان فارسی، ترجمه ابوالقاسم امامی را دربردارنده ویژگیهایی دانسته که ذیلاً به اجمال، مهمترین آنها بیان می‌شود:

۱ - معادل‌یابی کلمه‌های قرآن بر پایه فارسی روان در سرتاسر این اثر، معادل پارسی - با حفظ محتوای آیات - به صورت لطیف و روان، بدون زواید و پیراسته از مطالب داخل قلاب و پرانتز، برابر آیات قرار گرفته و کلمات و جملاتی که توضیحی لازم می‌طلبیده در پانوشتها با عباراتی جامع و کوتاه تبیین شده است. حجم برابرهای فارسی نه تنها کوتاه و همخوان که شیوا و خوشخوان است.

۲ - نشان دادن توانایی زبان فارسی در ارائه پیام الهی مترجم در این بعد، هنرمندانه دُرهای دَری را برابر واژگان تازی قرار داده که خواننده آشنا به دو زبان را به شگفتی و تحسین وامی‌دارد که چگونه برای ترجمه قرآن به فارسی روان، قلبی چنین همگون و خوشخوان با این همه ظرافت و زیبایی وجود دارد.

۳- ارائه هنر زیباشناختی لفظی و معنوی زبان فارسی

از تواناییهای این ترجمه، ارائه محسنات لفظی و معنوی زبان فارسی در قالب ترجمه آیات الهی است. چیزی که در وهله نخست، سبب جذب جزیره العرب به قرآن و پیامبر شد، زیبایی و دلپذیری شگفت‌انگیز این پیام پر از فصاحت و بلاغت بود و لذا با توجه به این جلوه‌های پرفروغ، باید گفت برگرداندن آن به هر زبانی، زیباترین و دلپذیرترین ترجمه را می‌طلبد تا بتواند رسالت خود را برای مردمان، متناسب با ذهن و زبان آنان ایفا کند.

به نظر نویسنده - با توجه به مقایسه ترجمه‌ها - ترجمه مزبور از قرآن به زبان فارسی در بعد زیباشناختی و ارائه هنر زبان فارسی، شاهکاری شادببخش است.

۴- قلت حجم و کثرت معنا

مترجم، حجم الفاظ و عبارات ترجمه را بیش از حجم متن قرار نداده، بلکه در سرتاسر آن، قلت حجم را با کثرت معنا در هم آمیخته و استواری و ظرافت را با ترکیب هنرمندانه واژگان بخوبی نشان داده است.

نویسنده، ذیل هر کدام از ویژگیها، نمونه‌هایی نیز از ترجمه فارسی را در برابر آیات قرآنی، نقل کرده که بر همان اساس، مستندات خود را تحکیم کرده است.

گفتنی است چاپ اول این ترجمه از طرف انتشارات نگار با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه به خط احمد نیریزی در قطع رحلی با کاغذ اعلا و تذهیب تمام صفحه‌ها در ده هزار جلد در سال ۱۳۷۰ منتشر شد.

چاپ جدید آن به خط عثمان طه در قطع رقعی به وسیله انتشارات اسوه وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه در صد هزار جلد در سال ۱۳۷۷ منتشر شده است.

در پایان مقاله، نویسنده برخی اشکالات وارد بر نوع چاپ، خط و نیز تذهیب صفحه و قطع آن را یادآوری کرده است.

عنوان مقاله : نجوای نجم در شکنج طره مشکین شب

نویسنده : منوچهر اکبری

مآخذ : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۷۶ و

بهار ۱۳۷۷، ش پیاپی ۱۴۵ - ۱۴۱، ص ۱۱۷ تا ۱۳۸

نویسنده مقاله با اشاره به اینکه وقت شناسی نزد سالکان وادی معرفت از جمله اصول مهم و قابل توجه است و عارفان از وقت حداکثر بهره را برده‌اند و به همین سبب «اصحاب وقت» و «ابن الوقت» نامیده شده‌اند در عصر حاضر از ارباب شناخت و عرفان از آیت الله استاد حسن‌زاده آملی نام برده و به بررسی موضوع وقت و شب در اشعار استاد پرداخته است.

درک سحر و فیض شب از جمله تعبیر و واژگان کلیدی دیوان ایشان است. بسامد کلمه شب در اشعار علامه، نشان انس و شکوفایی حضرت استاد با شب است. در ادامه، نویسنده به ذکر نمونه‌هایی از تعبیرها و ترکیبها در موضع «شب» پرداخته است؛ از جمله: لذت خلوت شب، های و هوی شبانه، لوح زرین از دست یار سمن در شب گرفتن، وجود چشمه آب حیات در ظلمت شب، کامیابی نجم از خلوت شبانه، رازداری شب و غیره.

اشاره به ساختن ترکیبهای خلاف آمد عادت (Paradox) با محدودیت شب از جمله:

ای شب کجایی از ما جدایی / نور دلم را برخیز و بنگر

از روز روشن قلبم گرفته است / از ظلمت شب گردد منور

و تأکید بر مضمون شب و سکوت و تلمیحات قرآنی متناسب با شب زنده‌داری و توصیف شب با تسلط بر اصطلاحات نجومی، جاندارپنداری شب و طرح جنبه‌های اضافی با ظرافتها و نکته‌های شاعرانه از دیگر مباحث و جنبه‌های بررسی شعر علامه حسن‌زاده آملی در این مقاله است.